



# Comparative Study of the Methodology and Exegetical Contributions of Hengām ba-Vahy and Fahm al-Qur’ān al-Hakīm

Maryam Shahitavi<sup>1</sup>      Seyed Mohammad Hosein Miri<sup>2</sup>

1. Graduate of Level Four (Doctoral Level), Al-Zahra Seminary Higher Education Institute, Ahvaz. [mr.sh.06136524083@gmail.com](mailto:mr.sh.06136524083@gmail.com).

2. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Khuzestan University of Agricultural Sciences and Natural Resources. Khuzestan, Iran. [miri@asnrukh.ac.ir](mailto:miri@asnrukh.ac.ir)

DOI: [10.22034/iscw.2026.2078464.1219](https://doi.org/10.22034/iscw.2026.2078464.1219)

*Original  
Research*

**Received:**  
2025.11.27

**Accepted:**  
2026.02.17

**Keywords:**  
Tanzili  
Approach,  
Hengām ba-  
Vahy,  
Fahm al-Qur’ān  
al-Hakīm,  
Exegetical  
Contributions

**Abstract:** The emergence of the style of reductive interpretation has led to the creation of works with distinct goals and methodologies. The two prominent commentaries, "In Step with Revelation" (Abdulkarim Bahjatpour) and "Fahm al-Quran al-Hakim" (Mohammad Abed al-Jabri), despite sharing a common basis, are distinct in their interpretative goals and results. This study conducts a comparative analysis of the methodology and extraction of the achievements of these two commentaries in the educational, historical, and epistemological fields, and by referring to the criticisms received, reveals fundamental differences. The findings show that "In Step with Revelation" emphasizes the extraction of the "educational geometry" and the gradual process of the formation of the Islamic nation, with the aim of discovering a transformational pattern and providing a practical solution for contemporary societies. However, the strong dependence on the narrations of the order of revelation and the challenge of the generalizability and empirical testing of its proposed model are among the criticisms received on this approach. In contrast, "Fahm al-Quran al-Hakim", with a historical-rational approach, considers understanding the Quran to be dependent on reconstructing the process of its emergence in line with the prophetic call and focuses on analyzing the historical context and the development of the stories. The main criticisms of this interpretation are rational reductionism and weakening of the guiding-existential dimension of the Quran and reducing the universal instructive role of the stories to mere historical analysis. Ultimately, it can be said that these two works represent two distinct epistemological destinies: one focused on educational-civilizational modeling and the other focused on historical-rational reinterpretation.



## تحلیل تطبیقی روش شناسی و دستاوردهای تفسیری «همگام با وحی» و «فهم القرآن الحکیم»

مریم شحیطاوی<sup>۱</sup> سید محمد حسین میری<sup>۲</sup>

۱. دانش آموخته سطح چهار موسسه آموزش عالی حوزوی الزهرا اهواز (نویسنده مسئول) رایانامه:

[mr.sh.06136524083@gmail.com](mailto:mr.sh.06136524083@gmail.com)

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، رایانامه: [miri@asnrkh.ac.ir](mailto:miri@asnrkh.ac.ir)

DOI: [10.22034/iscw.2026.2078464.1219](https://doi.org/10.22034/iscw.2026.2078464.1219)

**چکیده:** ظهور سبک تفسیر تنزیلی، منجر به خلق آثار با اهداف و روش‌شناسی‌های متمایز شده است. دو تفسیر برجسته «همگام با وحی» (عبدالکریم بهجت‌پور) و «فهم القرآن الحکیم» (محمد عابد الجابری)، با وجود اشتراک در مبنا، در غایات و نتایج تفسیری متمایزاند. این پژوهش به تحلیل تطبیقی روش‌شناسی و استخراج دستاوردهای این دو تفسیر در حوزه‌های تربیتی، تاریخی و معرفتی می‌پردازد و با اشاره به نقدهای وارده، تمایزات بنیادین آشکار می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد «همگام با وحی» با هدف کشف الگوی تحول‌آفرینی و ارائه راه‌حلی کاربردی برای جوامع معاصر، بر استخراج «هندسه تربیتی» و سیر تدریجی شکل‌گیری امت اسلامی تأکید دارد. با این حال، وابستگی شدید به روایات ترتیب نزول و چالش قابلیت تعمیم و آزمون تجربی مدل پیشنهادی آن، از نقدهای وارد بر این رویکرد است. در مقابل، «فهم القرآن الحکیم» با رویکردی تاریخی-عقلانی، فهم قرآن را در گرو بازسازی فرآیند پیدایش آن همگام با دعوت نبوی می‌داند و بر تحلیل سیاق تاریخی و تحول قصص تمرکز دارد. از نقدهای اصلی به این تفسیر، تقلیل‌گرایی عقلانی و تضعیف بُعد هدایتی-وجودی قرآن و فروکاست نقش عبرت‌آموز جهان‌شمول قصص به تحلیل تاریخی صرف است. در نهایت می‌توان گفت، این دو اثر، دو سرنوشت معرفتی متمایز را نمایندگی می‌کنند: یکی معطوف به الگوسازی تربیتی-تمدنی و دیگری متوجه بازخوانی تاریخی-عقلانی.

**صص:**

۱۹۱-۱۶۱

**مقاله:**

**علمی پژوهشی**

**دریافت:**

۱۴۰۴/۰۹/۰۶

**پذیرش:**

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

**کلیدواژه‌ها:**

سبک تنزیلی، همگام با وحی، فهم القرآن الحکیم، دستاوردهای تفسیری.



## ۱. بیان مسأله

در دهه‌های اخیر، توجه به قرآن نه تنها به عنوان متنی معنوی، بلکه به مثابه سندی تاریخ‌مند در بستر تحولات فرهنگی و اجتماعی عصر نزول، گسترش چشمگیری یافته است. این تمایل، بازتابی از تلاشی گسترده برای فهم قرآن در هم‌بستگی با شرایط زمانه وحی است؛ جایی که خوانش متن تنها بر پایه ترتیب مصحف رسمی، دیگر برای بسیاری از پژوهشگران کافی نیست. در این میان، رویکردی نوظهور - که بر بازسازی فضای تاریخی و اجتماعی نزول آیات تمرکز دارد و به «سبک تنزیلی» مشهور شده - افقی تازه برای تحلیل مفاهیم قرآنی گشوده است. این سبک، قرآن را نه متنی ثابت و خارج از زمان، بلکه متنی روان، فرآیندی و هم‌گام با تحولات دعوت نبوی می‌انگارد. اهمیت این دیدگاه در این نهفته است که بدون در نظر گرفتن قرائن حالی و مقامی نزول، فهم آیات ممکن است به صورتی ناقص یا حتی گمراه‌کننده رقم بخورد. این تقابل میان خوانش ایستا و خوانش فرآیندی از قرآن، در عرصه تفاسیر معاصر به یک مشکل عینی تبدیل شد.

در عمل، دو رهیافت متمایز در حوزه تفسیر تنزیلی شکل گرفته‌اند: یکی با محوریت کشف الگوی تحول‌آفرینی برای پاسخ به چالش‌های فرهنگی و تربیتی معاصر، و دیگری با تأکید بر بازسازی تاریخی - عقلانی مسیر پیدایش قرآن در هم‌آوایی با دعوت محمدی. هر دو رهیافت، با وجود اشتراک در پذیرش اصلی - یعنی اهمیت ترتیب نزول - در اهداف، روش‌شناسی و نوع دستاوردها، دارای تفاوت‌های عمیقی هستند. این تفاوت‌ها، تنشی فکری را آشکار ساخته که در آن، یک سوی معادله انتظار دارد قرآن راه‌حلی کاربردی برای تحول جامعه امروزی ارائه دهد، در حالی که سوی دیگر، فهم قرآن را وابسته به هر عصر و در چارچوب شرایط آن می‌داند. این تقاطع اهداف و منهج‌ها، چالشی پژوهشی را رقم زده: چگونه دو تفسیر که از یک گذرگاه - ترتیب نزول - ورود کرده‌اند، به دو سرنوشت معرفتی متفاوت دست یافته‌اند؟ با این حال، درک کنونی ما از این چالش ناقص است.

ادبیات موجود بیشتر به معرفی کلی این دو اثر یا تأکید بر شباهت‌های سطحی آن‌ها -مانند توجه به سیره یا کاهش احتمالات تفسیری- پرداخته‌اند، اما کمتر کسی به صورت سیستماتیک، دستاوردهای عینی هر یک را در حوزه‌های تربیتی، تاریخی، فقهی و معرفتی، و سپس با معیارهای مشخص، مورد ارزیابی تطبیقی قرار داده است. به‌ویژه، پژوهشی که بتواند بدون ارزش‌گذاری مذهبی یا ایدئولوژیک، نشان دهد چه چیزی هر یک از این دو تفسیر را در کشف مفاهیم قرآن منحصر به فرد ساخته، هنوز نوشته نشده است. ما نمی‌دانیم دقیقاً چه دستاوردهایی از سوی هر یک از این دو اثر به دست آمده، چگونه این دستاوردها با روش و هدف متفاوت هر مفسر هم‌خوانی دارند، و چه درسی از این تجربه‌های تفسیری برای گسترش مطالعات قرآنی قابل استخراج است. این پژوهش با اتخاذ یک رویکرد تحلیلی-تطبیقی، در صدد پر کردن همین خلأ است.

این مقاله با تمرکز بر دو اثر برجسته «همگام با وحی» اثر عبدالکریم بهجت‌پور و «فهم القرآن الحکیم» اثر محمد عابد الجابری، قصد دارد دستاوردهای تفسیری هر یک را در چارچوب سبک تنزیلی، و در حوزه‌های تربیتی، معرفتی، تاریخی و فقهی، به صورت دقیق و مستند استخراج کند و سپس آن‌ها را در یک چارچوب ارزیابی عقلانی و خنثی مقایسه نماید. این تلاش، فراتر از سنجش کارایی هر روش، به بازآفرینی ظرفیت‌های سبک تنزیلی در فهم قرآن کمک خواهد کرد. پرسش محوری این پژوهش این است: دستاوردهای تفسیری «همگام با وحی» و «فهم القرآن الحکیم» چیست و چگونه این دو اثر—با وجود اشتراک در سبک تنزیلی— در نوع دستاورد و رویکرد با یکدیگر متفاوت‌اند؟

## ۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، سبک تفسیری تنزیلی به‌عنوان رویکردی نوین در مطالعات قرآنی، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این سبک با تمرکز بر ترتیب نزول آیات، امکان بازسازی فضای تاریخی و اجتماعی عصر رسالت را فراهم می‌سازد و به فهم دقیق‌تر مفاهیم قرآنی کمک می‌کند. پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده که هر یک از زاویه‌ای خاص به بررسی فواید و

کارکردهای این روش پرداخته‌اند. در ادامه، برخی از مهم‌ترین آثار علمی در این حوزه معرفی می‌شود:

۱. بکاری، عبدالسلام؛ بوعلام، الصدیق، الشببة الاستشراقية فی کتاب مدخل الی القرآن الکریم: رؤیة نقدیه، الدار العربیه للعلوم ناشرون (۲۰۰۹م). این کتاب با رویکردی انتقادی به بررسی نگاه و پیشفرض‌های شرقشناسانه در کتاب "مدخل إلى القرآن الکریم" میپردازد و دستاورد اصلی آن، افشای تفسیر غربی تحریف شده از قرآن و دفاع از قداست و یکپارچگی آن به عنوان متنی وحیانی است.

۲. مجیدچهری در مقاله تفسیر به ترتیب نزول (مبانی، فوائد، چالش‌ها، بایسته-ها) (۱۳۹۳) به بررسی روش و رویکرد تفسیر قرآن بر اساس ترتیب تاریخی نزول آیات پرداخته است. دستاورد اصلی آن، تبیین مبانی نظری این روش، تحلیل مزایای فهم تدریجی قرآن و همچنین شناسایی چالش‌های عملی و ارائه راهکارهای لازم برای اجرای آن است.

۳. محمد فاروق آشکار تیزابی در رساله، تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیر نزولی (با تأکید بر تفاسیر بیان المعانی، التفسیر الحدیث و فهم القرآن الحکیم) (۱۳۹۵) به راهنمایی دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در دانشگاه مذاهب اسلامی، به بررسی مبانی و روش سه تفسیر تنزیلی مربوط به ملاحظه‌های آل‌غازی، دروزه و الجابری پرداخته است.

۴. عبدالهادی فقهی‌زاده و همکاران در مقاله تحلیل انتقادی دیدگاه محمدعابدالجابری درباره مراد از امی بودن پیامبر اکرم (۱۳۹۶) به نقد دیدگاه جابری در زمینه مفهوم امی پرداخته است.

۵. مریم شمس در رساله نقد و بررسی آرای قرآنی محمد عابد الجابری (۱۳۹۷) به راهنمایی دکتر محمدعلی مهدوی راد در الهیات دانشگاه تهران، به معرفی نظام فکری الجابری به عنوان نواندیش مغربی، مبانی فکری او را در فهم قرآن و علوم قرآن مورد بررسی و نقد قرار داده است.

۶. عبدالهادی فقهی‌زاده و همکاران در مقاله «مبانی تفسیری عابدالجابری در «مدخل الی القرآن الکریم» و «فهم القرآن الحکیم»؛ التفسیر الواضح حسب ترتیب

النزول» (۱۳۹۷) به مبانی این مفسر از جمله ضرورت تفسیر قرآن براساس ترتیب نزول آیات، عدم تناقض عقل با حقایق دینی، فساد تأویل باطنی از آیات، و... پرداخته شده است.

۷. عبدالهادی فقهی زاده و محمد تقی رهقی قادری در مقاله «روش تفسیری عابدالجابری در فهم القرآن الحکیم، التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول» (۱۳۹۷) به روش اجتهادی جابری در تفسیر قرآن همچون جداسازی متن از حاشیه، توجه به سیاق، بهره‌گیری از قصص، جایگاه سوره در ترتیب نزول، توجه به سیر دعوت محمدی در تفسیر آیات، و... پرداخته است.

۸. مقاله: زهرا سلامی و سید محمد علی ایازی در مقاله «رویکرد تاریخی‌نگری الجابری در فهم قرآن: لوازم و دلالت‌ها» (۱۳۹۸) به تاریخ‌نگری و توجه به بافت عصر نزول و ترتیب نزول از دیدگاه الجابری پرداخته شده است.

مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین، با تمرکز بر دستاوردهای تفسیری، به بررسی تطبیقی-تحلیلی دو تفسیر می‌پردازد تا ظرفیت‌های سبک تنزیلی را در عمل نشان دهد.

## ۲. چارچوب نظری پژوهش

### ۳-۱. روش شناسی

مقصود از «روش شناسی» پژوهش‌های علمی، شناخت و بررسی کارآمدی‌ها و ناکارآمدی‌های مبانی و قواعد به کار رفته در آن‌ها است. روش‌ها و روش‌شناسی در کار تحقیقاتی به دو اصل وابسته، اما متفاوت اشاره دارد. روش، تکنیکی است که از آن در جمع‌آوری شواهد استفاده می‌شود و روش‌شناسی نظریه بنیادین و تحلیل نحوه انجام پیشروی تحقیق است.

بنابراین روش‌شناسی تفاسیر قرآنی به بررسی چگونگی کاربرد مبانی، قواعد و تکنیک‌های مختلف در تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازد. این حوزه با تحلیل رویکردهای مفسران و ارزیابی کارآمدی یا ناکارآمدی آنها در دستیابی به معانی قرآن سروکار دارد (بابایی و همکاران، ۱۳۹۴).

### ۲-۳. سبک تفسیری تنزیلی

سبک تفسیر تنزیلی نمونه‌ای از سبک تفسیری است که مفسر تلاش می‌کند پیام‌ها و اراده‌های خداوند را با توجه به سیر نزول سوره‌ها و با توجه به برخی آیات استثنائی، از قرآن کریم استخراج کند. ترتیب و شکل فرود آمدن یکصد و چهارده سوره نظامی ویژه به قرآن داده است، که از آن به ترتیب نزول طبیعی (تدریجی) سوره‌ها یاد می‌شود. (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۷) مراد از به کار بردن واژه سبک در فرایند تفسیر، ترتیب ویژه‌ای است که مفسر در بررسی آیات و ارائه نتایج خود به کار می‌گیرد.

به باور بهجت پور تفسیر به ترتیب نزول طبیعی سوره‌ها یک سبک است نه یک روش (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۷) ولی برخی بر روش بودن آن اصرار دارند، ما بر این باوریم که کار وی روشی است و منافاتی با سبک ندارد؛ زیرا برای کشف مقاصد آیات گام‌هایی باید طی شود، به این گام‌ها روش گفته می‌شود، بنابراین بهجت پور نیز با بهره‌مندی از جدول ترتیب نزول سوره‌ها به روشی دست‌یافته است.

نویسندگان تفسیر تنزیلی بر این باورند که مطالعه و بررسی آیات به سبک تنزیلی در کشف مفاهیم و اهداف آیات نقش بسزایی دارد؛ زیرا اگر ترتیب نزول ملاحظه شود بسیاری از آیات به جهت اینکه در دوره زمانی مناسب خود قرار می‌گیرند از تعقید و عدم صراحت کنونی خارج می‌شوند. تفسیر سوره‌ها و آیات به ترتیب نزول برای بازشناسی تقویم نزول و چگونگی مهندسی فرهنگ قرآنی، به منظور دریافت پیام‌های نوین قرآنی است. از آنجایی که ترتیب کنونی سُور و آیات برخلاف ترتیب نزول آنهاست، بسیاری از مفاهیم قرآنی همچنان در پرده ابهام باقی می‌مانند در حالی که اگر ترتیب نزول در تفسیر رعایت شود، احتمالاً برخی نارسایی‌ها در فهم مفاهیم قرآن از بین می‌روند (اقتباس از معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، ج ۲).

### ۳-۳. دستاوردهای تفسیری

دستاوردهای تفسیری (به عربی: «النتائج التفسیریة») یا «المکاسب التفسیریة») به مجموعه یافته‌ها، بینش‌ها، نظریه‌ها و قواعد نوینی اطلاق می‌شود که از تلاش

مفسران در طول تاریخ فرآیند تفسیر قرآن کریم به دست آمده است. این دستاوردها تنها محدود به فهم آیات نیست، بلکه شامل ساختارها، روش‌ها، قواعد و گرایش‌های علمی می‌گردد که خود به عنوان سرمایه‌ای مستقل برای پژوهش‌های بعدی عمل می‌کنند (زرکشی، ۱۳۷۶: ۱۶۰؛ السیوطی، ۱۲۹۴: ۴۸۲؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۲۳).

### ۳. دستاوردهای تفسیری همگام با وحی

تفسیر «همگام با وحی» اثر حجت‌الاسلام عبدالکریم بهجت‌پور، یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تفسیر تنزیلی در فضای علمی شیعه است. این اثر با تمرکز بر ترتیب نزول سوره‌ها، تلاش دارد تا هندسه تحول دینی، تربیتی و اجتماعی قرآن را بازسازی کند. بهجت‌پور در این تفسیر، دستاوردهای سبک تنزیلی را در دو دسته کلی و جزئی تقسیم می‌کند. در ادامه به بیان مهم‌ترین فواید کلی و جزئی این سبک که عبارتند از، کشف بهتر روش تحول دینی، اتقان بیشتر کشف مراد آیات قرآن کریم و تکمیل دانش‌های دیگر می‌پردازیم.

#### ۴-۱. کشف روش تحول آفرینی دینی

تربیت و رشد کمالات عقلی، معنوی و رفتاری، همراه با گشودن برخی گره‌های علمی و زدودن موانع تفکر و تعقل و تهذیب جان و روح از خواست‌های پایین و کنترل غرایز و تطهیر رفتار از ناشایسته‌ها است. این امر بسیار پیچیده در چارچوب روش‌هایی حکیمانه سامان می‌یابد. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر نمایان می‌شود که در تربیت و تغییر و تحول مثبت، افزون بر تربیت فردی، به دنبال انجام تغییر اجتماعی باشیم و باز مهم‌تر آنکه مقرر شده باشد که در ضمن تحول آفرینی در یک جامعه و افراد آن، به دنبال مدل‌سازی جهانی و جاودانه تغییر و تثبیت آن باشیم. توجه به ترتیب نزول قرآن راهکار مناسب پاسخ به تمام سؤالاتی است که در زمینه روش‌های تحول دینی وجود دارد. عدم توجه به این معنا باعث اشتباه مفسر در گزارش روش‌هاست. (بهجت پور، ۱۳۹۲: ۳۴۹-۳۵۲). بهجت‌پور برای تبیین مدعای خود چند نمونه قرآنی در این زمینه بیان می‌کند، که در این جا به یک

نمونه اکتفا می‌شود: اسلام در هم‌آوردخواهی خود به قرآن از قوی به ضعیف و از کل به جزء آمده؛ ابتدا از تردید کنندگان و شکاکان در الهی بودن قرآن خواست تا کتابی مثل قرآن بیاورند: «قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنَّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً» (اسراء: ۸۸) سپس تحدی را به ده سوره تنزل داد و فرمود: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود: ۱۳). پس از آنکه از آوردن همانند آن ناتوان شدند، از آنان خواست که یک سوره مثل قرآن بیاورند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۵۳): «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس: ۳۸). در جای دیگر برخی از بزرگان اظهار داشته‌اند که اسلام در اصلاح و هدایت، اول بر روی فرد تکیه کرد، سپس به اصلاح خانواده پرداخت و در نهایت سخن از اصلاح جامعه زد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۵۴-۲۵۱).

#### ۴-۱-۱. قلمرو تحوّل

پیامبر اکرم (ص) به یاری قرآن کریم، جامعه‌ای در پرتگاه فقر فرهنگی - اجتماعی را تا قله‌های سربلندی و تمدن‌سازی و تفوق بر دیگر تمدن‌ها، بلکه امامت آن‌ها رشد داد. از نگاه بهجت‌پور نزول تدریجی قرآن با هدف رقم خوردن تحوّل همه‌جانبه در فرد و جامعه صورت پذیرفت. هرچند تفسیر به ترتیب مصحف رسمی، ما را بر شناخت مفاهیم تحوّل‌ساز یاری کند، اما کشف روش‌های منضبط و حکیمانه الهی که منجر به تحوّل همه‌جانبه در مردم مکه و مدینه شد و قومی در گمراهی آشکار را به اوج رسانید، هم‌گامی با جریان وحی از آغازین آیه‌های نازل شده در غار حرا تا پایان حیات مبارک پیامبر اکرم (ص) را در مدینه لازم دارد. شاید کسی این سؤال را مطرح کند؛ اگر در قله‌های سربلندی بوده پس چرا در ارتباط با معرفت جایگاه ائمه (ع) در ناآگاهی به سر می‌برده و دیگر مسائل مربوطه به این ماجرا، این تناقض چگونه پاسخ داده می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که هیچ تناقضی وجود ندارد؛ زیرا سیر تدریجی و آموزش قرآنی پیامبر (ص) در قله صحت و اعتبار بود؛ اما مخاطبان در سطوح مختلفی از ظرفیت پذیرش قرار داشتند. مسئله

ولایت و امامت اهل بیت (ع) به صورت صریح در جمع کثیر ابلاغ شد. با این حال، موانع سیاسی-اجتماعی و تمایل به تأویل و عدول باعث شد بخشی از جامعه نتوانند یا نخواهند این معرفت را به طور کامل بپذیرند و در عمل از آن عدول کردند. بنابراین نقص از سوی سیستم تعلیمی نبود، بلکه ضعف در پذیرش و عمل مخاطبان، تحت تاثیر عوامل بیرونی بود و نگاه بهجت‌پور به صورت کلان است. به باور وی مطالعات قرآنی بر اساس ترتیب زمان نزول، هم بر ابعاد و مفاهیم تحوّل ساز قرآن ما را واقف می‌کند و هم گام‌های مرتب و هدفمند تحوّل را درک می‌کنیم. پس بر این اساس مفسران سبک تحوّل فرهنگی، روشی را که قرآن برای ایجاد تحوّل در گروه اول مخاطبان به استخدام گرفت، کشف می‌کنند. به عقیده وی مهم‌ترین فایده این سبک تفسیری کشف راه‌های تحوّل نظام‌مند فرد و جامعه در جامعه نبوی است (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۸-۱۳۷). این تحول‌آفرینی شامل تحول فردی، افراد جامعه و حتی خود رهبر جامعه و چالش‌های پیش‌روی جامعه ایمانی و رهبر جامعه ایمانی در شکل‌گیری مهندسی تحول قرآنی است. در ذیل به ترتیب به این مراحل تحول پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱-۲. تحول فرد و جامعه

تغییر و تحول همه‌جانبه در فرهنگ مردم، آن‌گاه رخ می‌دهد که آموزه‌های یک مکتب یا برنامه‌های فرهنگی، بخشی از هویت و شخصیت فرد و جامعه گردد و این مهم تمهید مناسبی را در رابطه با روش انتقال معارف و دستورات عمیق دینی می‌طلبد. تحول، حاصل ترکیب محتوا و روش است و تلاش‌ها زمانی ثمربخش خواهد بود که نقش روش‌شناسی به درستی در نظر گرفته شود. از همین روی خدای متعال بر ضرورت پیگیری خط انتقال معارف و دستورات متناسب با تدبیر الهی تصریح کرده است.<sup>۱</sup> درباره روش و سیره قرآنی انتقال مفاهیم دینی به مردم سؤالات زیادی مطرح است که تنها در سایه توجه به سیر طبیعی نزول به دست

<sup>۱</sup> وَكَلَّمَ نَبِيَّنا عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوَالِ\*أَلْخَدْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ\*ثُمَّ لَقَطْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ\*فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ، (الحاقه ۴۷-۴۴)

می‌آید. مثلاً این که قرآن چگونه شرک را از جامعه زدود و توحید ناب را جانشین آن کرد؟ (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۵۰-۳۵۱) بهجت‌پور در کتاب سیر تربیت توحیدی به این مقوله به شیوه تفسیر موضوعی تنزیلی پرداخته است.

تردیدی نیست که حکمت موجود در نزول آیات و سوره‌ها و اصلتی که به برخی از مفاهیم دینی داده می‌شود و زمانی که به پردازش هر مفهوم اختصاص یافته است، موجب می‌گردد تا این مفاهیم همچون حلقه‌هایی از یک زنجیره تربیتی پشت سر یکدیگر قرار گیرند، به گونه‌ای که نادیده گرفتن هر حلقه موجب بریده شدن زنجیره و در نتیجه عدم تحقق اهداف تربیتی است. به طور مثال چند مفهوم محوری «احساس فقر به پروردگار»، «احساس ترس و دغدغه از آینده»، «اقدام به استهدای توحیدی از خدای متعال»، «اقبال به قرآن به عنوان منشور هدایت به راه مستقیم» و بالاخره «اقدام عملی به پذیرش برنامه رهایی» را متذکر می‌شویم.

تا انسان احساس نیاز به پروردگار نکند و در صورتی که افراد، پروردگار را به عنوان یگانه خالق کائنات و انسان و راهنمای شایسته برای پرورش و رشد خود نپذیرند، احساس بیم و خطری که از سوی او متوجه مردم می‌شود شکل نمی‌گیرد و خطارهایش موجب نگرانی آنان نمی‌گردد. همچنین، تا زمانی که افراد نگرانی نسبت به آینده نداشته باشند، به جستجوی مسیر رهایی از شرایط نامساعد و دستیابی به وضعیت مناسب اقدام نمی‌کنند. انسان‌ها فقط زمانی که دلواپس آینده باشند، به خداوند به عنوان معبود یکتا، یاور بی‌بدیل و راهنمای حقیقی روی می‌آورند و از او طلب مسیر درست می‌نمایند، به شرطی که او را برترین دارنده اقتدار و مربی ببینند تا درخواست کنند که در عرصه زندگی و تعاملاتشان هدایتگر باشد. پس از این زمینه‌چینی‌ها است که به دنبال یک برنامه عملی برای حرکت در مسیر مستقیم می‌روند و در این مرحله است که قرآن را به عنوان سند هدایت به راه راست انتخاب می‌کنند. آنگاه این قرآن است که آموزش بنیادین رهایی از نگرانی‌ها را به آنان ارائه می‌دهد. این اصول منسجم و نظام‌مند در پرتو ترتیب نزول سوره‌ها آشکار می‌شود.

در سوره علق (مکی ۱/ آیات ۵ - ۱) شواهد و دلایل شایستگی پروردگار و حق انحصاری او در ربوبیت (تدبیر و یا تربیت) بیان می‌شود و پیامبر مؤظف می‌شود تا این شایستگی و حق را بر مردم بخواند؛ (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ \* عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)، در سوره مدثر (مکی ۴ - آیات ۳ - ۱) پیامبر مأمور می‌شود تا مردم را در سایه بیان کبریایی پروردگار از جهنم و سقری که در انتظار آنان است بترساند؛ (يا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَ رَبُّكَ فَكْبَرٌ)، در سوره حمد (مکی ۵/ آیات ۷ - ۵) خدای متعال از زبان بشر به شناخت رسیده، سه ارتباط اساسی با پروردگار را متذکر می‌شود؛ (إِيَّاكَ نَعْبُدُ - عبودیت آن است که انسان با اختیار خود زیر چتر ربوبیت رود (وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ \* اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ \* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ)، در سوره تکویر (مکی ۷/ آیات ۲۹ - ۲۶) به انسان مستهدی و کسانی که از خدا طلب کردند تا راه مستقیم را به آنان نمایان سازد، قرآن را به عنوان منشور هدایت معرفی می‌نماید؛ (فَأَيُّنَ تَذْهَبُونَ \* إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ \* لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ \* وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ)، بر اساس این آیات، قرآن تجلی خواست پروردگار برای هدایت انسان‌هایی است که مایل‌اند در راه مستقیم قرار گیرند.

در سوره اعلی (مکی ۸ / آیات ۱۴ - ۱۵) اولین و مهم‌ترین راهکار رهایی از شقاوت‌ها و رنج‌های پیش‌رو و مشکلات مورد انتظار توضیح داده می‌شود؛ (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى \* وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى)، نماز، توجه به پیمان‌های انسان با پروردگار و تکرار میثاق بشر با اوست. این میثاق عبارت است از میثاق بندگی و استعانت و طلب هدایت (سوره حمد) و انسان در پرتو یادکرد شایستگی‌های پروردگار متعال، بلکه حق و صاحب اختیار او و شناختی که از پروردگار یافته، می‌تواند مسیر بندگی را بییماید.

ملاحظه می‌شود که چگونه اصول و مفاهیم کلیدی تحول‌آفرین در یک نظام ساختاری منظم پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند تا انسان را گام به گام به سوی کمال و سعادت رهنمون باشند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۶۱-۳۶۲). بنابراین مهم‌ترین

فایده این سبک تفسیری، کشف راه‌های تحوّل نظام‌مند فرد و جامعه در جامعه نبوی است. پیامبر (ص) با بهره‌گیری از آیات قرآنی که به تدریج و متناسب با رویدادهای جامعه نازل می‌شد، فرآیند تربیت فردی و اجتماعی را پیش برد. ایشان با تعلیم مفاهیمی مانند توحید، عدالت و اخلاق و پرورش چهره‌های شاخصی مانند امام علی (ع)، حضرت خدیجه (س)، فاطمه علیها السلام، سلمان فارسی، و ابوذر و عمار یاسر هسته اولیه جامعه اسلامی را شکل داد. این جامعه، با وجود مشکلات داخلی و خارجی، با ایجاد ساختارهایی مبتنی بر قانون (مانند پیمان مدینه) و تأکید بر علم‌آموزی، به تدریج توانست به یک تمدن تاثیرگذار تبدیل شود. دستاوردهای این تمدن در حوزه‌هایی مانند علوم، حکمرانی و معماری قرن‌ها به عنوان الگویی پیشرو برای دیگر تمدن‌ها مورد توجه قرار گرفت. (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

#### ۳-۱-۴. رهبر هدایت و تحول

یکی از ارکان بسیار مهم تحول، رهبر یا رهبران تحول‌اند. رهبران با ایجاد احساس ضرورت تغییر و تقویت انگیزه تحول در مخاطبان، آنان را به حرکت وا می‌دارند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۶۷). یک مصلح و هادی اجتماعی نیز دائم باید برای رهبری فرد و جامعه در شرایط گوناگون آموزش ببیند و آمادگی پیدا کند. بنابراین پیوند نزول تدریجی با تثبیت قلب پیامبر (ص) بدان جهت است که نزول تدریجی آیات، موجب پیوند و رابطه دائمی صاحب فرمان با اعلام کننده و اجرا کننده فرمان است، از این رو توجه به ترتیب نزول سوره‌ها به مفسر کمک می‌کند تا بتواند «روش قرآن در تکامل شخصیت آن حضرت و تقویت روح و جان وی» را به خوبی بررسی کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۶۸-۳۶۹).

#### ۴-۱-۴. چالش‌های پیش روی تحول

مراد از چالش فرهنگی «ظهور و بروز جریان‌های اجتماعی و فکری خاصی است که سعی دارند جنبه‌های دینی یا نگرش نسبت به مؤلفه‌های فرهنگ را کم‌رنگ و تضعیف کنند و ساحت علم و اخلاق و هنر را از آن تهی نمایند. جدی‌ترین چالش

پیش‌روی فرهنگی، زدودن ملاحظات دینی مربوط به مقولات فرهنگی است» (بهجت‌پور، ۱۳۸۸: ۱۴۰؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۵). مواجهه با دشواری در فرآیند تغییر، پدیده‌ای کاملاً طبیعی محسوب می‌شود. مخالفت‌ها و کارشکنی‌هایی که در مسیر تبلیغ آموزه‌های دینی ظهور می‌یابد، از جمله تشکیک‌آفرینی‌ها و سرسختی‌ها، پرسش‌های چالشی و مواضع مقاومتی، اجزای لاینفک هر جنبش اصلاح‌گرانه و تحول‌آفرین به شمار می‌روند. هر اندازه دامنه و ژرفای دگرگونی گسترده‌تر باشد، مقاومت‌ها شدیدتر و موانع پیچیده‌تر خواهند بود. از این رو، واکاوی آیات قرآن بر پایه ترتیب نزول، با ظرافت تمام، پیوند میان هر مرحله تربیتی و تکاملی را با موانع پیش‌رو و راهنمایی‌های الهی برای عبور از آنها را آشکار می‌سازد. در مقابل، مطالعه سوره‌ها و آیات بر اساس چینش مصحف رسمی، این ارتباط منطقی و معنادار را دچار گسست می‌نماید. (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۶۵).

#### ۲-۴. گسترش و تعمق نگاه تربیتی و آموزشی به مقوله تفسیر

از دیگر امتیازات روش تفسیر بر پایه ترتیب نزول، تعمیق نگرش هدایتی و تربیتی در فرآیند فهم قرآن است. بر اساس دیدگاه بهجت‌پور، غایت نزول قرآن، تحقق تربیت عملی مخاطبان بوده است، این مقصود اصیل، اقتضائات بیانی ویژه‌ای را در ساختار عبارات، چینش مباحث و پراکندگی ظاهری مضمون ایجاب نموده است. در پارادایم تفسیر تنزیلی، با توجه به اولویت درک سیر تدریجی نزول و همگامی با مسیر تکاملی آیات - از مرحله تأسیس تا نقطه اوج شکوفایی فردی و اجتماعی - مفسر ناگزیر به پیگیری منطق هدایتی قرآن است. این همسویی با فلسفه نزول، موجب هماهنگی ذاتی مفسر با اهداف وحیانی گشته و در نتیجه، تفسیر حاصله، واجد صبغه‌ای الهی می‌گردد. (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۷۴-۳۷۳). هر چند این نگاه در تفسیر به ترتیب مصحف ممکن است؛ اما ترتیب نزول، مفسر را با دید تربیتی به آیات قرآن هماهنگ‌تر خواهد کرد.

#### ۳-۴. فوائد جزئی تفسیر تنزیلی

تفسیر تنزیلی - که آیات و سوره‌های قرآن را بر اساس ترتیب نزول بررسی می‌کند - نه تنها پنجره‌ای به فضای تاریخی و اجتماعی عصر نزول گشوده است، بلکه در حوزه‌های فقهی، تاریخی و حل اختلافات تفسیری نیز دستاوردهایی کلیدی داشته است. این روش، با قرار دادن هر آیه در بستر زمانی و فرهنگی خاص خود، به کشف نظام تربیتی و هدایتی قرآن کمک می‌کند و مفسر را در فهم مراد جدی خدای متعال یاری می‌رساند (بهجت‌پور، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

از دیدگاه فقهی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این رویکرد، شناخت سیر تدریجی تشریح احکام است. برای نمونه، روند نزول آیات مربوط به حرمت خمر نشان می‌دهد که اسلام با در نظر گرفتن شرایط روانی و اجتماعی جامعه عصر نزول، ابتدا با اشاره به ضررهای شراب («فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» بقره: ۲۱۹)، سپس با منع آن در مواقع خاص («لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» نساء: ۴۳)، و سرانجام با تحریم قطعی آن («إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ... رَجِسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» مائده: ۹۰)، مسیری حکیمانه برای تغییر فرهنگ عمومی پیموده است. چنین دیدگاهی، فلسفه و حکمت احکام را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که پذیرش تدریجی تغییر، بخشی از روش الهی در هدایت انسان است (بهجت‌پور، ۱۳۹۵، ص ۴۸).

در حوزه تاریخی نیز، تفسیر تنزیلی امکان درک عمیق‌تری از پیوند میان آیات و رویدادهای صدر اسلام را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال، سوره «قلم» - که در پاسخ به اتهام «دیوانگی» به پیامبر (ص) در مکه نازل شد - تنها زمانی به درستی فهمیده می‌شود که در بستر تاریخی آن و با توجه به چالش‌های خاص آن مرحله از دعوت بررسی شود. این رویکرد، نه تنها علت کاربرد برخی واژه‌ها و مفاهیم را آشکار می‌سازد، بلکه پیوندهای درونی میان بخش‌های یک سوره یا سوره‌های مجاور در ترتیب نزول را نیز برملا می‌کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۵، ص ۹۰).

همچنین، بسیاری از اختلافات تفسیری و حتی فقهی - به ویژه در مورد ناسخ و منسوخ بودن آیات - ناشی از مطالعه قرآن خارج از ترتیب نزول آن است. در صورت رعایت ترتیب نزول، این ابهامات مرتفع می‌شوند. اظهارات بهجت‌پور بیانگر آن است

که علم ترتیب نزول می‌تواند به عنوان یک ابزار کمکی در تفسیر و فهم قرآن عمل کند و از برخی اختلافات جلوگیری نماید. با این حال، این به معنای ناقص بودن مصحف کنونی نیست، بلکه توجه به بافت تاریخی نزول را برای درک عمیق‌تر مفاهیم قرآن مهم می‌داند. به طور کلی، این دیدگاه در میان قرآن‌پژوهان معاصر، به ویژه کسانی که بر تفسیر تاریخی قرآن تأکید دارند، مورد توجه قرار گرفته است. (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۶۲۰).

این نکته، اهمیت تفسیر تنزیلی را به عنوان ابزاری برای رفع تعارضات و بازیابی فهمی یکپارچه از متن وحی نشان می‌دهد. در مجموع، تفسیر تنزیلی با محوریت اثر «همگام با وحی»، نه تنها یک روش تفسیری، بلکه یک چارچوب معرفتی است که فقه، تاریخ و تفسیر را در جریان زنده وحی بازسازی می‌کند و امکان فهمی دقیق‌تر، عمیق‌تر و کاربردی‌تر از قرآن را فراهم می‌آورد.

#### ۴-۴. نقش مکمل نسبت به سایر علوم

توجه به مرتبه نزولی سوره‌ها به دانش‌های دیگر اسلامی نیز کمک کرده و مکمل آن‌ها بوده، از جمله این دانش‌ها تاریخ، فقه اسلامی و علم حدیث است.

#### ۴-۴-۱. تاریخ: آگاهی دقیق از سیره صحیح نبوی

یکی دیگر از دستاوردهای تفسیر تنزیلی دستیابی به نظر و دیدگاهی صحیح در مورد سیره نبوی است؛ زیرا بسیاری از رخداد‌های اتفاق افتاده در مورد پیامبر (ص) در قرآن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مطرح شده است که مورخ و مفسر می‌تواند با استفاده از آیات به تحلیل موضوع‌های تاریخی مربوط به سیره پیامبر (ص) بپردازد. حتی می‌توان با عرضه داشتن اخبار و روایات تاریخی بر قرآن، میزان صدق و کذب اخبار تاریخی را به دست آورد و آنچه را که خلاف قرآن است رد کند (کلینی، ۱۳۶۳؛ ج ۱/۶۷-۶۹؛ مجلسی، بی‌تا؛ ج ۲/۱۶۵). این راهی مطمئن است برای عدم ورود تحریف در پژوهش‌های تاریخی (حسینی ادیانی، ۱۳۸۳: ۳۵).

#### ۴-۴-۲. فقه: اطلاع از مراحل تشریح احکام

یکی دیگر از فواید سبک تنزیلی دستیابی به مراحل تشریح احکام فقهی در جامعه عصر نزول و عملی شدن آن در میان مسلمانان پس از اقتدار و برپایی حکومت اسلامی است. برای مثال شراب خواری و میگساری در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام بسیار رواج داشت و به صورت یک بلای عمومی درآمده بود، تا آنجا که بعضی از مورخان می‌گویند عشق عرب جاهلی در سه چیز خلاصه می‌شد: شعر، شراب و جنگ، روشن است که اگر اسلام می‌خواست بدون رعایت اصول روانی و اجتماعی با این بلای بزرگ عمومی به مبارزه برخیزد ممکن نبود. بدین رو از روش تحریم تدریجی و آماده ساختن افکار برای ریشه کن کردن میگساری که به صورت یک عادت ثانوی در آنها نفوذ کرده بود، استفاده کرد. به این ترتیب که نخست در بعضی از سوره‌های مکی اشاراتی به زشتی این کار نمود، ولی عادت زشت شراب‌خواری از آن ریشه‌دارتر بود که با این اشاره‌ها ریشه کن شود. به همین خاطر هنگامی که مسلمانان به مدینه منتقل شدند و نخستین حکومت اسلامی تشکیل شد، دومین دستور - آیه ۲۱۹ سوره بقره - در زمینه منع شراب خواری به صورت قاطع تری نازل گشت. آشنایی مسلمانان به احکام اسلام سبب شد که دستور نهایی - آیه مورد بحث - با صراحت کامل، که حتی بهانه جویان نیز نتوانند به آن ایراد گیرند، نازل گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷/۵). اسلام برای پیاده کردن بسیاری از احکام خود، از روش "تدریجی" استفاده کرده مثلاً همین مسئله تحریم مشروبات الکلی را در چند مرحله پیاده نموده است، نخست آن را به عنوان يك نوشیدنی نامطلوب و نقطه مقابل رزقاً حسناً (نحل: ۶۷) سپس در صورتی که مستی آن در حال نماز باشد جلوگیری کرده (نساء: ۴۳) و بعد منافع و مضار آن را با هم مقایسه نموده و غلبه زیانهای آن، بیان شده است (بقره: ۲۱۹) و در مرحله آخر نهی قاطع و صریح از آن نموده است<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۹۶). چنانکه درباره فرهنگ سازی حجاب و پوشش اسلامی نیز آیات الهی گام به گام و به تدریج نازل

<sup>۱</sup> يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (ماده: ۹۰)

شد، از این رو بهجت‌پور در این زمینه کتابی با عنوان سیر فرهنگ سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی را به رشته تحریر درآورده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۶).

#### ۴-۳-۴. حدیث: کشف انواع احادیث تفسیری

یکی دیگر از کارکردهای سبک تنزیلی و خدمت آن به دیگر علوم، فهم بهتر روایات تطبیقی، تنزیلی است. در منابع روایی شیعه، روایات تفسیری ارزشمندی از ائمه اطهار (ع) است که با هدف تنزیل و توضیح مصداق نزول آیات یا تطبیقات آن در گذر زمان صادر شده‌اند؛ اما متأسفانه قدر این ذخائر ارزشمند چنان که باید شناخته نشده و از آن بهره شایان برده نشده است، بلکه به عکس با درآمیختن روایات تطبیقی با روایات تنزیلی، زمینه شبهه و انتقاد دیگران علیه شیعه فراهم شده است (زرکشی، ۱۴۱۵؛ ذهبی، بی‌تا). به عنوان نمونه در شواهد التنزیل از امام صادق (ع) در مورد آیه سوم سوره قلم (وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ) آمده: «فی تبلیغک فی علی ما بلغت [و ساقها إلى أن بلغ] إلى [قوله] بِأَيُّكُمْ الْمَفْتُونُ.» (حسکانی، بی‌تا: ۳۵۸) این روایت نمی‌تواند مورد نزول آیه باشد، بلکه یکی از تطبیقات آن است؛ زیرا سوره قلم دومین سوره مکی است و جریان روز غدیر در انتهای بعثت اتفاق افتاد (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۸۱).

#### نقد و بررسی تفسیری بهجت‌پور

##### چالش اول: محدودیت در قابلیت تجربه‌پذیری و تعمیم

اگرچه مدل ارائه‌شده توسط بهجت‌پور از انسجام درونی و وفاداری به چارچوب اسلامی برخوردار است؛ اما قابلیت آزمون تجربی و تعمیم به جوامع غیراسلامی یا سکولار را به چالش می‌کشد. این مدل، بر مفروضات دینی پذیرفته‌شده (مانند صحت ترتیب نزول به عنوان نقشه الهی تحول جامعه) استوار است، لذا داوری در مورد کارآمدی آن برای جوامعی که این مفروضات را نپذیرفته‌اند، دشوار خواهد بود. به عبارت دیگر، این مدل بیشتر یک چارچوب هنجاری-تجویزی مبتنی بر

اعتقاد است تا یک نظریه اجتماعی توصیفی-تبیینی که بتواند در میدان تجربه عمومی مورد آزمون قرار گیرد.

### چالش دوم: وابستگی به روایات ترتیب نزول:

اعتماد محوری این رویکرد به یک روایت خاص و واحد از ترتیب نزول قرآن، چالشی روش‌شناختی ایجاد می‌کند. با وجود تلاش‌های محققان در صحت‌سنجی، اختلافات موجود در روایات نزول (به ویژه در ترتیب سوره‌های مدنی) می‌تواند بر استنباط یک هندسه تحولی ثابت و قطعی تأثیر بگذارد. این امر، پرسش‌هایی درباره ثبات نتایج و امکان ارائه تفسیرهای بدیل مبتنی بر ترتیب‌های روایی دیگر را برمی‌انگیزد. تفسیر «همگام با وحی» با رویکرد تنزیلی، تلاش دارد مراحل تربیت فردی و اجتماعی را در پرتو نزول تدریجی قرآن بازسازی کند. این اثر با ارائه الگویی از تحول فرهنگی و اجتماعی، نشان می‌دهد که امت اسلامی از طریق گام‌های تدریجی وحی شکل گرفته است.

با این حال، نقدهای وارد شده قابل توجه‌اند. نخست آن که «مدل جامع تحول اجتماعی» ارائه‌شده توسط بهجت‌پور نیازمند ارزیابی انتقادی است؛ از جمله بررسی میزان تجربه‌پذیری آن در شرایط معاصر و محدودیت‌های معرفتی آن دوم آن که محدودیت‌های روایی در تعیین ترتیب نزول کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که منابع قرآنی مانند التمهید فی علوم القرآن به صراحت بر اختلاف نقل‌ها و فقدان سند قطعی تأکید کرده‌اند. سوم آن که نگاه تربیتی-اجرایی بهجت‌پور، اگرچه نوآورانه است، اما نیازمند تکمیل با نقد معرفت‌شناختی است تا ابعاد فلسفی و عقلانی وحی نیز روشن شود.

### ۴. دست‌آوردهای تفسیری «فهم القرآن الحکیم»

تفسیر «فهم القرآن الحکیم» اثر محمد عابد الجابری، یکی از مهم‌ترین تلاش‌ها در حوزه تفسیر تنزیلی در جهان عرب است. این اثر با رویکردی فلسفی، تاریخی و زبان‌شناسانه، به بررسی قرآن بر اساس ترتیب نزول پرداخته و تلاش کرده است تا

فهمی نو از متن وحی در بستر دعوت نبوی ارائه دهد. در ادامه، مهم‌ترین دستاوردهای این تفسیر بررسی می‌شود.

### ۵-۱. روش صحیح فهم قرآن

جابری روش صحیح فهم قرآن را در گرو بررسی نحوه پیدایش و شکل‌گیری قرآن همپا و هماهنگ با مسیر دعوت نبوی می‌داند. از نظر او قرآن به مثابه وحی الهی محصول یک فرایند است؛ فرایندی که مراحل و فراز و نشیب‌های دعوت محمدی در دوره‌های مکه و مدینه آن را شکل داده است. در نتیجه، هرگونه فهمی از قرآن باید بر اساس همین واقعیت انجام پذیرد (جابری، ۱۳۹۹: ۹). وی بر مبنای سخن شاطبی در کتاب الموافقات بر این اصل ثابت قدم بود که سوره‌های مدنی باید براساس سوره‌های مکی فهمیده شوند، همچنان که بخش‌های مختلف قرآن مکی و مدنی نیز هریک باید بر اساس یکدیگر و بر حسب ترتیب نزول فهم شوند، در غیر این صورت فهم صحیح آن‌ها میسر نخواهد بود (شاطبی، ۱۴۱۷: ج ۴/۲۵۶).

### ۵-۲. آگاهی یافتن از تسلسل و انسجام منطقی سوره‌ها

یکی دیگر از کارکردهای همراهی با مسیر تنزیل و مسیر دعوت، تطبیق جریان تنزیل بر جریان دعوت است. از نگاه جابری قرآن در طی بیست‌وسه سال به تدریج نازل شده است و تسلسل سور-برحسب ترتیب نزول- در درون خود از منطقی معین پیروی می‌کند، که با رجوع به رخدادهای سیره درخواهیم یافت منطقی که در درون هر مجموعه از سور وجود دارد با تسلسل این رخدادهای از حیث مضمون منطبق است. این تطابق عملاً همراهی مسیر تنزیل و مسیر دعوت را به وضوح نشان می‌دهد (جابری، ۱۳۹۹: ۲۸).

### ۵-۳. آگاهی یافتن از محتوای کلی سوره‌ها

هریک از سوره قرآن حاوی مطالب و موضوعات متنوعی است، پیروی از سبک تنزیلی کمک شایانی به کشف محتوای کلی سوره می‌کند، برای مثال جابری در شرح سوره فرقان محتوای این سوره را چنین بازگو کرده است: این سوره مجموعه‌ای از اعتراض‌ها و تعریض‌های قریش علیه پیغمبر (ص) را گردآورده و با

لحنی محکم و قوی بدان پاسخ گفته است. این پاسخها قضایای مختلفی را در خصوص عناصر بنیادینی مانند توحید و نبوت و صحنه‌های قیامت، را شامل می‌شود که قرآن در سوره قبل برآن تأکید ورزیده است. سپس به مثابه پاسخی به قریش- که به نام رحمن معترض بودند و با آن به عنوان یکی از نام‌های الله مخالفت می‌کرد- با بیان تعدادی از ویژگی‌های عبادالرحمن پایان می‌یابد (جابری، ۱۳۹۹: ۴۲۰).

#### ۴-۵. کاستن از اختلافات تفسیری

از دیگر مزایای روش تفسیر بر مبنای ترتیب نزول، محدود ساختن دامنه برداشت‌های احتمالی در فرآیند فهم آیات است. آرمان بلندمرتبه مفسر، زدودن ابهامات و کشف معانی اصیل متن مقدس است. طرح گسترده دیدگاه‌های متعارض در ذیل آیات، نه تنها تفسیر را از کارآمدی و غنای معرفتی تهی می‌سازد، بلکه مخاطب را در سرگردانی و حیرت تفسیری رها می‌نماید. رعایت ترتیب نزول، مفسران را در تقلیل اختلافات و احتمالات یاری می‌کند.

#### ۵-۵. تطوّر قصص قرآنی بر حسب نزول

از دیگر دستاوردهایی که جابری به آن می‌بالد، و پژوهش خود را متمایز از دیگران می‌داند، این است که قصص قرآنی را برخلاف روش معمول که طی آن قصص قرآن بر حسب ترتیب موجود مصحف بررسی می‌شد. به بررسی قصص قرآنی بر حسب تاریخ نزول ملتزم بود.

قصص قرآنی میان سور مکی و مدنی توزیع شده و کل یا اجزایی از یک قصه در تعدادی از سوره‌ها تکرار شده‌اند بنابراین ما با قصه قرآنی بر حسب ترتیب نزول رو به رو هستیم. هدف وی از یک سو بررسی تطوّر قصه قرآنی همپای با تطوّر دعوت محمدی و از سوی دیگر شناخت این مطلب است که قرآن چگونه این قصه را به عنوان نوعی از انواع بیان برای کمک به این دعوت به کار می‌گیرد. وضعیت قصص قرآنی همان شرایط دعوت محمدی است که از خلال مبارزه انبیاء برای تبلیغ رسالت‌شان بدان نگریسته می‌شود (جابری، ۱۳۹۹: ۳۳۷). قصص قرآنی یکی از

عناصر اساسی شکل دهنده مسیر تکوین قرآن است. به بیانی دیگر می‌توان گفت قصص قرآن به مثابه آینه‌ای است که گذشته، حال و آینده دعوت محمدی از طریق تاریخ مقدس، تاریخ انبیاء و رسولان در آن دیده می‌شود. همچنین جابری بارها بر اهمیت در نظر گرفتن سازگاری میان دعوت محمدی و مسیر پیدایش و شکل‌گیری قرآن تأکید کرده، این سازگاری به روشن‌ترین شکل ممکن از خلال بررسی تطور قصص قرآنی بر حسب نزول آشکار می‌شود (جابری، ۱۳۹۹: ۳۳۳).

#### ۵-۶. دستیابی به معانی واقعی الفاظ و کلمات قرآنی

جابری بر این باور است که قرآن به زبان معهود عرب عصر نزول سخن گفته و معانی الفاظ قرآن را براساس این مبنا معنا و شرح می‌دهد. به باور وی معقول نیست که قرآن اعراب را جز به مفاهیم آشنا قابل درک برای ایشان و در سطح معهود ذهنی با ایشان سخن گفته باشد. به عنوان مثال وی درباره معنای (ن والقلم) بعد از بیان آرای برخی مفسران درباره معنای واژه قلم و حرف نون که آنها را (اولین مخلوق خدا) و (نهنگ) معنا کرده‌اند، چنین بیان می‌دارد: صرف نظر از این تأویل‌های ایدئولوژیک، ما با مفسرانی همراه هستیم که قلم را به همان معنایی گرفته‌اند که عموم مردم از آن مراد می‌کنند، یعنی وسیله کتابت. این همان معنایی است که معهود عرب زمان نزول نبوت بوده است؛ اما حرف «ن» مانند دیگر حروف مقطعه است که در آغاز برخی سوره‌های قرآن قبل از قسم آمده است، نظیر: «ق و القرآن المجید» (جابری، ۱۳۹۹: ۲۴۶). وی مقصود از حروف مقطعه که در فواتح برخی سوره‌ها آمده را جلب نظر و توجه شنونده می‌داند؛ زیرا این روش و عادت عرب بوده که به هنگام سخنرانی برای جلب توجه مخاطب از آن بهره می‌جستند (جابری، ۱۳۹۹: ۲۳۵).

#### ۵-۷. دستیابی به استنباط احکام شریعت

درست است که در حوزه اعتقادات نیازی به آگاهی از ترتیب نزول نیست؛ زیرا مثلاً در سوره اخلاص اساسی را پایه‌ریزی می‌کند که تمام عقاید اسلامی را مستحکم

می‌سازد.<sup>۱</sup> اما شناخت ترتیب نزول در نظر بسیاری از فقها امری ضروری است، به ویژه برای کسانی که مبنای «ناسخ و منسوخ» را می‌پذیرند. امری که در آن ناگزیر از شناخت زمان نزول آیات و سُور هستیم (جابری، ۱۳۹۹: ۳۱۷).

### ۵-۸. فرایند پیدایش، شکل‌گیری قرآن همپای دعوت نبوی

فرایند پیدایش، شکل‌گیری قرآن همپای دعوت نبوی و تحولات آن، در سطح تفسیر قرآن، موجد اصلی راهگشا در فهم آیات قرآن است، که می‌توان از آن به سیاق تاریخی سوره‌های قرآن تعبیر کرد. به موجب اصل سیاق تاریخی، سوره‌های قرآن با شرایط نزولشان پیوندی وثیق دارند. در واقع، از نظر وی شرایط نزول هر سوره قراین برون‌متنی برای فهم آن به شمار می‌آیند، که به کمک آن‌ها از ابهامات می‌توان رمز‌گشایی کرد. در واقع اهتمام مفسر در این کتاب کاربست اصل ((پیدایش و شکل‌گیری قرآن همپای دعوت نبوی)) در فهم سوره‌های قرآن است. از این رو او به سطح نخست تفسیر آیات، یعنی سطحی که از آن با نام معنای ((قرآن معاصر با خود)) یاد شد، اکتفا کرده است (جابری، ۱۳۹۹: ۱۴-۱۳).

### بررسی و نقد تفسیری الجابری

#### چالش اول: تقلیل‌گرایی عقلانی در مواجهه با پدیده وحی

الجابری با رد تأویلات کلامی-اشعری و تأکید بر عقلانیت نقاد، گامی بزرگ در زمینه عقلانی‌سازی خوانش قرآن برداشته است. با این حال، رویکرد او در خطر تقلیل ابعاد متعالی و قدسی وحی به یک پدیده صرفاً تاریخی-عقلانی قرار دارد. این نگاه، بُعد هدایتی-وجودی قرآن را که در سنت تفسیری بر آن تأکید شده، تا حد زیادی تضعیف می‌کند و قرآن را بیشتر به مثابه یک «متن» در بستر تاریخ تحلیل می‌کند تا یک «خطاب» زنده و تأثیرگذار بر جان مؤمن.

#### چالش دوم: فروکاست نقش قصص قرآن از هدایت به تاریخ‌مندی

<sup>۱</sup> قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ أَحَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (توحید/۱-۴).

نگاه تاریخی-تحلیلی الجابری به قصص قرآنی، اگرچه در کشف لایه‌های زمینه‌نزل و اهداف اجتماعی آن دوران ارزشمند است، اما بُعد نمادین، اخلاقی و عبرت‌آموزی جهان‌شمول این قصص را نادیده می‌گیرد. در این رویکرد، پیام اصلی قصص که می‌تواند فارغ از صحت تاریخی دقیق، حامل مفاهیم هدایتی برای انسان در هر زمان و مکان باشد، تحت الشعاع جست‌وجوی واقعیت تاریخی قرار می‌گیرد. این امر، نقد مهم پُل ریکور بر هرمنوتیک شگاک را به یاد می‌آورد که بر ضرورت عبور از «ظنّ تاریخ» به «فراخوانی وجودی» تأکید می‌کند.

## ۵. ارزیابی تطبیقی دستاوردهای دو تفسیر

### ۶-۱. وجوه اشتراک

هر دو تفسیر «همگام با وحی» و «فهم القرآن الحکیم» در چارچوب سبک تنزیلی — یعنی تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول — به دستاوردهایی دست یافته‌اند که فراتر از مرزهای مذهبی یا مکتبی، افق‌های مشترکی را در فهم قرآن باز کرده‌اند. مهم‌ترین این وجوه اشتراک، پذیرش قرآن به‌عنوان متنی فرایندی و تاریخی است که در گذر بیست‌وسه سال، در تعامل مستمر با تحولات دعوت نبوی، شکل گرفته است. این پذیرش، زمینه‌ مشترکی برای بازسازی سیاق تاریخی وحی فراهم کرده و از خوانش‌های ایستا و خارج از زمینه جلوگیری می‌کند.

در هر دو اثر، هم‌خوانی متن قرآن با سیره پیامبر (ص) یکی از دستاوردهای برجسته محسوب می‌شود. برای مثال، هر دو مفسر در مورد سوره المدثر - چهارمین سوره نازل شده - بر این نکته تأکید دارند که آیات «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ» تنها یک فرمان کلی نیست، بلکه نقطه آغازین مأموریت عمومی پیامبر (ص) پس از دوره درون‌نگری غار حرا است و در پاسخ به شرایط تاریخی مکه جاهلی شکل گرفته است. این نوع تحلیل، نه‌تنها محتوای آیه را روشن می‌کند، بلکه رابطه علی بین وحی و سیره را نیز آشکار می‌سازد.

همچنین، تقلیل اختلافات تفسیری و کشف انسجام درونی سوره‌ها از دیگر وجوه اشتراک است. به‌عنوان نمونه، در تفسیر سوره النازعات، هر دو مفسر با توجه به زمان نزول (پیش از هجرت)، آن را نه به‌عنوان توصیف عالم برزخ یا قیامت در

خلاً، بلکه به عنوان پاسخی روان‌شناختی و تربیتی به ترس‌ها و شبهات قریش درباره معاد می‌دانند. این رویکرد، منجر به کاهش احتمالات تفسیری متضاد و افزایش ظرفیت هدایتی آیات می‌شود.

در نهایت، هر دو اثر در گسترش فهم مفاهیم اسلامی در بستر زبان معهود عرب عصر نزول هم‌سو هستند. برای مثال، در مورد عبارت «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»، هر دو مفسر - علیرغم تفاوت در جزئیات - از تأویل‌های اسرائیلیاتی دوری کرده و «قلم» را به معنای وسیله کتابت و «ن» را یکی از حروف مقطعه برای جلب توجه مخاطب می‌دانند. این رویکرد، فهم قرآن را از بستر اسطوره و ایدئولوژی خارج می‌کند.

## ۶-۲. وجوه اختلاف

با وجود اشتراکات مذکور، دو تفسیر از نظر هدف‌گذاری، منهج‌شناسی و نوع دستاورد دارای تفاوت‌های عمیق و ماهوی هستند که ناشی از چارچوب‌های نظری متفاوت آن‌هاست.

اولین تفاوت کلیدی در هدف کاربردی تفسیر است. بهجت‌پور، هدف اصلی خود را کشف «هندسه تحول‌آفرینی» قرآن برای راه‌حل چالش‌های فرهنگی و تربیتی امروز می‌داند. برای مثال، او در تحلیل سوره‌های مکی اولیه (مانند علق، مدثر، مزمل)، نه تنها به سیر تربیتی فرد می‌پردازد، بلکه الگوی گام‌به‌گام دگرگونی فرهنگی را استخراج می‌کند: از «احساس فقر به پروردگار» تا «خویش‌داری از فرهنگ جاهلی» و سرانجام «پذیرش منشور الهی». این رویکرد، قرآن را به عنوان کتابی الگوساز برای بازتولید تمدن معرفی می‌کند.

در مقابل، جابری هدف خود را بازسازی تاریخی - عقلانی مسیر پیدایش قرآن می‌داند. برای او، فهم قرآن یعنی درک چگونگی هم‌آوایی متن وحی با تحولات تاریخی دعوت. از این رو، تفسیر او در بسیاری از موارد به صورت پیوستی از تحلیل‌های تاریخی خوانده می‌شود. مثلاً، در تفسیر سوره الفرقان، جابری نه به دنبال استخراج الگوی اصلاحی، بلکه به دنبال بیان این است که چگونه قرآن در

این سوره به اعتراضات قریش (مانند عبارت «ما هذا إلا إفك افتراه») پاسخ داده و در چه بستری اجتماعی-سیاسی این پاسخ‌ها شکل گرفته‌اند.

دومین تفاوت در روش تعیین ترتیب نزول است. بهجت‌پور ترتیب نزول را عمدتاً بر اساس نقل و روایات معتبر-به‌ویژه از منابع شیعه- استخراج می‌کند و از اجتهاد آزاد در این زمینه اجتناب می‌ورزد. برای مثال، وی سوره العلق را نخستین سوره نازل شده می‌داند، بر اساس روایاتی که در منابعی چون الکافی و بحار الأنوار آمده است. در مقابل، جابری در مواردی-مانند ترتیب نزول سوره‌های یس یا طه- به جای وابستگی صرف به روایات، از تحلیل تاریخی-زبان‌شناختی استفاده می‌کند. این اختلاف روش‌شناختی، منجر به تفاوت در تفسیر پاره‌ای آیات می‌شود؛ مثلاً در مورد جایگاه سوره الشوری در نظم نزولی.

سومین تفاوت در نگاه به قصص قرآنی است. در «همگام با وحی»، قصص-مانند داستان یوسف یا نوح- ابزارهایی برای تربیت، هشدار و الهام‌بخشی محسوب می‌شوند. بهجت‌پور معتقد است که هر قصه دقیقاً در زمانی نازل شده که جامعه با چالش‌های مشابهی روبه‌رو بوده است؛ البته تا وقتی معارف دینی متناسب با زمان ارائه نگردد و درونی کردن آن برای نسلها صورت نگردد این مشکل همچنان ادامه خواهد داشت. شیوه عمل عالمان دینی در برابر مسائلی چون عدالت و ظلم یکی از فاکتورهای مهم در تشویق مردم به سوی دین یا روی گردانی از آن است.

در مقابل، جابری قصص را آینه‌ای از تاریخ مقدس در مسیر دعوت محمدی می‌داند. او تأکید می‌کند که قصص قرآنی نه برای سرگرمی، بلکه برای ایجاد همبستگی تاریخی بین پیامبران و تثبیت مشروعیت دعوت محمدی طراحی شده‌اند. به عنوان مثال، در تفسیر داستان موسی (ع) در سوره‌های مکی، جابری بر این نکته تأکید دارد که این سرگذشت، پاسخی به کسانی بود که از پیامبر (ص) می‌خواستند «اگر واقعاً فرستاده‌ای، نشانه‌ای مانند موسی بیاور».

در نهایت، مخاطب‌شناسی دو اثر نیز متفاوت است. بهجت‌پور مخاطب خود را جامعه امروزی می‌داند که به دنبال راه‌حل برای چالش‌هایی مانند شکست فرهنگی، بی‌هویتی و انحطاط اخلاقی است. در مقابل، جابری مخاطب را هر

خواننده‌ای در هر عصر فرض می‌کند و تأکید می‌کند که «فهم قرآن وظیفه‌ای است که در هر زمان مطرح است». این تفاوت، انعکاسی از دو رویکرد عمیق‌تر است: یکی کاربردی-الگوساز و دیگری تاریخی-تفکری.

### نتیجه گیری

۱. «همگام با وحی» با سبک تنزیلی، الگوی تحول تدریجی قرآن را در ابعاد فردی تا اجتماعی بازسازی می‌کند و نشان می‌دهد چگونه امت اسلامی از دل فرهنگ جاهلی با گام‌های حکیمانه وحی شکل گرفت. این تفسیر با ارائه مدلی منسجم برای تحول فرهنگی-تربیتی و با تکیه بر روایات ترتیب نزول، راهکارهایی کاربردی برای مسائل معاصر ارائه می‌دهد و سیر تدریجی تشریح احکام را روشن می‌سازد.

۲. «فهم القرآن الحکیم» با رویکرد تاریخی عقلانی، به بازسازی فرآیند پیدایش قرآن همگام با دعوت نبوی می‌پردازد و آن را متنی پویا و قابل فهم در هر دوره معرفی می‌کند. الجابری با تحلیل تنزیلی قصص، آن‌ها را بازتابی از مبارزات پیامبر(ص) می‌داند و با تکیه بر زبان معهود عصر نزول، از تأویل‌های اسطوره‌ای فاصله گرفته و قرائتی زمینی‌شده و عقلانی از قرآن ارائه می‌دهد.

۳. مقایسه دو رویکرد نشان می‌دهد که «همگام با وحی» بر الگوی تحول‌آفرینی و کاربردی قرآن برای حل مسائل امروز تمرکز دارد، در حالی که «فهم القرآن الحکیم» بر فهم تاریخی-سیاقی و عقلانی متن وحی تأکید می‌کند.

۴. این دو رویکرد نه تنها متعارض نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند: یکی لایه هدایتی-اجرایی قرآن را برجسته می‌سازد و دیگری لایه تاریخی-تفسیری آن را روشن می‌کند.

۵. در مجموع، کنار هم قرار گرفتن این دو اثر تصویری غنی، دینامیک و چندبُعدی از قرآن ارائه می‌دهد؛ تصویری که هم برای بازسازی گذشته و هم برای پاسخ به پرسش‌های امروز ظرفیت‌های گسترده‌ای دارد.

## منابع

## \* قرآن

۱. ابوالقاسمی، محمد جواد، پژوهش در چالش‌های توسعه فرهنگ دینی با نگاه به آینده، تهران، عرش پژوه، ۱۳۸۵.
۲. آشکارتیازی، محمد فاروق، تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیر نزولی (با تأکید بر تفاسیر بیان المعانی، التفسیر الحدیث و فهم القرآن الحکیم)، رساله دکتری، دانشگاه مذاهب اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۳. بابایی، علی اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ ش.
۴. بهجت پور، عبدالکریم. همگام با وحی: تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول. قم، انتشارات مؤسسه فرهنگی تدبر در قرآن و سیره، ۱۳۹۷.
۵. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد و فواید، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۶. بهجت پور، عبدالکریم، درآمدی بر اصول تحوّل فرهنگی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز معارف قرآن، ۱۳۸۸.
۷. بهجت پور، عبدالکریم، سیر فرهنگ سازی اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی، قم، مؤسسه تمهید، ۱۳۹۶.
۸. الجابری، محمد عابد. فهم القرآن الحکیم: التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية، ۲۰۱۲.
۹. الجابری، محمد عابد، رهیافتی به قرآن، مترجم: محسن آرمین، تهران، نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۹۹.
۱۰. الجابری، محمدعابد، فهم قرآن حکیم، ترجمه محسن آرمین، تهران، نشرنی، ۱۳۹۹.
۱۱. جوادی آملی، جواد، تفسیر موضوعی قرآن مجید، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷.

۱۲. الحاکم، الحسکانی، شواهد اتنزیل، مؤسسه الطبع والنشر، کتابخانه فقاقت.
۱۳. حسینی ادیانی، سید ابولحسن، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۳ش
۱۴. ذهبی، محمد حسین؛ التفسیر و المفسرون، بیروت، دارالارقم، بی تا.
۱۵. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق
۱۶. سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۳۹۴ق.
۱۷. الشاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد اللخمی الغرناطی، الموافقات، دار ابن عفان، چاپ اول ۱۴۱۷ق، ۱۹۹۷م.
۱۸. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۳ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الاطهار ع، بیروت، مؤسسه الوفاء، بی تا.
۲۰. معرفت، محمد هادی، علوم قرآن، چاپ اول، قم، التمهید، ۱۳۸۰ش.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

## Bibliography:

### • Qur'an

1. Abolghasemi, Mohammad Javad, *Research on the Challenges of Developing Religious Culture with a Future-Oriented Perspective*, Tehran: Arsh Pajouh, 2006. [in Persian]
2. Ashkartizabi, Mohammad Farooq, *A Critical Analysis of the Foundations and Method of Descending (Revealed) Interpretation (Emphasizing the Tafsirs: Bayan al-Ma'ani, al-Tafsir al-Hadith, and Fahm al-Qur'an al-Hakim)*, PhD dissertation, University of Islamic Denominations, 2016. [in Persian].
3. Babaei, Ali Akbar; Azizi Kia, Gholam Ali; Rouhani Rad, Mojtaba, *Methodology of Quranic Interpretation*, Qom, Hajj and University Research Institute, 2015.
4. Bahjatpour, Abdolkarim, *Alongside the Revelation: Interpretation of the Qur'an Based on the Order of Revelation*, Qom: Tadabbur dar Qur'an va Sireh Cultural Institute, 2018. [in Persian]
5. Bahjatpour, Abdolkarim, *descending (Revealed) Interpretation: Foundations, Principles, Rules, and Benefits*, Tehran: Research Institute of Culture and Islamic Thought, 2013. [in Persian]
6. Bahjatpour, Abdolkarim, *Introduction to the Principles of Cultural Transformation*, Tehran: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Center for Qur'anic Studies, 2009. [in Persian]

7. Bahjatpour, Abdolkarim, *The Process of Islamic Cultural Formation with an Approach to Descending (Revealed) Interpretation*, Qom: Tamhid Institute, 2017. [in Persian]
8. Al-Jabiri, Muhammad 'Abid, *Understanding the Wise Qur'an: A Clear Interpretation According to the Order of Revelation*, Beirut: Center for Arab Unity Studies, 2012.
9. Al-Jabiri, Muhammad 'Abid, *An Approach to the Qur'an*, translated by Mohsen Armin, Tehran: Nashr-e Ney, 4th edition, 2020. [in Persian]
10. Al-Jabiri, Muhammad 'Abid, *Understanding the Wise Qur'an*, translated by Mohsen Armin, Tehran: Nashr-e Ney, 2020. [in Persian]
11. Javadi Amoli, Javad, *Thematic Interpretation of the Noble Qur'an*, Qom: Asra Publishing Center, 2008. [in Persian]
12. Al-Hakim al-Haskani, *Shawahid al-Tanzil*, Institute of Printing and Publishing, Library of Fiqh. [in Arabic]
13. Hosseini Adiani, Seyed Abolhassan, *A Study on the History of the Prophet of Islam*, Tehran: Al-Zahra University, 2004. [in Persian]
14. Al-Dhahabi, Muhammad Husayn, *Al-Tafsir wa al-Mufasssirin*, Beirut: Dar al-Arqam, n.d. [in Arabic]
15. Al-Zarkashi, Muhammad ibn Abdullah, *Al-Burhan fi 'Ulum al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1995. [in Arabic].
16. Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, *Al-Iqqan fi Ulum al-Qur'an*, Al-Masriy Al-Agaa Al-Katab Authority, 1394 A.H.

17. Al-Shatibi, Ibrahim ibn Musa ibn Muhammad al-Lakhmi al-Gharnati, *Al-Muwafaqat*, Dar Ibn 'Affan, 1st edition, 1997/1417 AH. [in Arabic]
18. Al-Kulayni, Abu Ja'far Muhammad ibn Ya'qub, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1984. [in Arabic]
19. Al-Majlisi, Muhammad Baqir, *Bihar al-Anwar: Collection of the Gems of Reports of the Infallible Imams (A.S.)*, Beirut: Al-Wafaa Institute, n.d. [in Arabic].
20. Knowledge, Mohammad Hadi, *Quranic Sciences*, first edition, Qom, Al-Talmihid, 2001.
21. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemooneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1995. [in Persian]